

فرا ترا از روش «آزمون و خطا»

زمانه و کارنامه آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم

طباطبایی یزدی «صاحب عروه»

علی ابوالحسنی (مُنْذِر)



مؤسسه مطالعات
تاریخ معاصر ایران

تهران ۱۳۸۹

درود بر او

که به ما «رسم اندیشیدن و ایستادن» آموخت!

ایستاد...

- ایستادنی سترگ -

در برابر طوفان

- طوفان سهمگین -

چونان تک درخت کوبیر،

رشید و استوار؛

آکنده از حرارت خورشید،

آمخته با تپانجه سیلاب و سیلی آفتاب،

صیحه صاعقه و غرش طوفان!

پایدار در هجوم شنهای روان،

که از دهاوار، تنوره می کشند

و

هرچه را که «سبز حیات» است

در کام می برند.

آشنای کوبیر بود...

با روزهای سخت و سوزان،

و

شبهای راز آلود و کنه کشانی آن:

انبوهه‌ای از ستاره‌های خُرد و کلان،
نجواکنان، چشمک زنان
که از بس نزدیک می‌نمایند، گویی می‌توان دست برد
و هرچه خواست، از سید آسمان، ستاره برجید!
«راه شیری»

که کویر را، به کعبه دوست (مکه) پیوند می‌زند...!
از «دارالعباده» یزد آمده بود؛ شهر قنوت و قنات و قناعت
شهر بادگیرهای بلند، که خُنکای هوا را از «اعماق»، به «سطح» می‌آورند،
و بین «ظاهر» و «باطن»، پل می‌زنند...
شهر مَقْنیان بزرگ
که صبورانه

دل سنگ خاره را
- در بُن چاه تیره -
به ضرب تیشه می‌شکافتند
و به نیروی کاریز
ساخت کویر را
از چشمه‌ای که در زرفای کوهسار جاری است
سیراب می‌سازند...
شهر مردان صرفه‌جو، که جان مایه حیات
- آب -
را، قطره قطره، مصرف می‌کنند،
تا شاه‌رگ قنات نخشکد

و

نوعروسان دشت و دمن

در حسرت آب نسوزند...^{۱۱}

شهر تاجران بزرگ

که در بر آورد اسود، و «هزینه» استادند

و هرگز بی گدار به آب نمی زنند...

شهر انسانهای صبور

که می کوشند خشکنای کویر را

- با خردورزی و شکیبایی

با تلاش و پشتکار

و با قناعت و تدبیر،

سرسبز نگه دارند...

و بالاخره، شهر

فقیهان، حکیمان، مفسران، امیران،

طبیان، نجومیان، ادیبان، عارفان،

شاعران، مورخان، صنعتگران و هنروران بزرگ،

که نامشان بر تارک تاریخ می درخشد^{۱۲}؛

مجدد همگر و وحشی بافقی

قاضی میر حسین مبدی^{۱۳} و جلال الدین محمد منجم یزدی

شرف الدین علی یزدی^{۱۴} و شاه نعمت الله ولی

۱. برخی از باغداران پرد، به جای آنکه - کهان پای درخت را ز آب پر سازند، نیوب عاشقین را بر آب کوزه و در پای درخت می کارند تا آب، از سوراخ تنک آب، از راه بیرون آمده و همان آب صرف میرب کردن ریخته شود. شبیده که حیران برخی از باغداران آمریکایی پیر این فن را آموخته و به کار می بندند... در سده های اخیر، البته ر قدامت و صرفه جویی، در آن دار، جریدهای جوی به کوش می رسد.

۲. علامه سید محسن میل در عهد مشیعه، ردگری - مدلس را لاتین را غنم و هسور - سیمه پید - ورده ست.

۳. شرح ذیل مکتب - مولای شفیق غنی ضیه سلام.

۴. صاحب کتاب غفر - به بهتری

محمد مفید بن نجم الدین بافقی^(۱)

ملا رفیعا محمد اردکانی و میرزا علی اکبر حکیم یزدی
فاضل اردکانی و میر سید علی مدرس (بزرگ و کوچک)
حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و محمد تقی بافقی
سید محمد داماد و فکور و وزیری و دیگرهای دیگر...

که او

- سید محمد کاظم یزدی «صاحب عروه» را می گویم -

«دُرّة التاج» شان تا کنون تاریخ است...

۱. صاحب تاریخ «جامع مفیدی».

فهرست مطالب

۷	درود بر اوکه به ما «رسم اندیشیدن و ایستادن» آموخت!
۱۵	پیشگفتار
۱۹	بخش اول: در تکاپوی دانش (از روستای یزد تا عاصمه جهان تبع: نجف)
۲۲	تحصیلات در ایران و عراق
۲۲	۱. روستای کسنویه
۲۲	۲. یزد
۲۶	۳. مشهد
۲۷	۴. اصفهان
۳۱	ما «بروی فقر و قناعت نمی‌بریم»
۳۶	۵. هجرت به نجف اشرف
۴۱	جامعیت علمی
۴۳	آن دو، مجتهدند؛ چه برخیزند، چه بنشینند!
۴۴	حرمت به میرزای شیرازی
۵۱	بخش دوم: دانش کلان، آثار جاودان
۵۳	دانش کلان دینی
۵۳	گواهی صاحب نظران
۶۴	شناگر قهار!
۶۶	گواهی مراجع عصر به برتری حید
۶۸	چنانچه علمی با آخوند خراسانی
۷۲	بنویس سید، اعتراف است!
۷۵	حوزه باشکوه
۷۷	شاگردان بزرگ
۹۵	آثار علمی
۱۰۲	عروة الوثقی، کتابی جاویدان
۱۱۱	بخش سوم: خانواده و اولاد
۱۱۳	ازدواج سید
۱۱۵	اولاد و احفاد سید
۱۲۱	بخش چهارم: اندیشه ژرف، غیش والا
۱۲۳	اشاره
۱۲۴	صفای عبودیت
۱۲۴	کیمیای تسلیم و توکل و رضا
۱۲۷	غیبت و سوز دینداری
۱۳۵	شهره به زهد و یارسایی
۱۳۷	زیارت زهد و قدس در حوزه نجف
۱۳۸	برهیز از امور شبه‌ناک
۱۳۹	حنای بول در چشمت رنگی بهشت
۱۴۱	استفاده از بیت‌المال در امور شخصی، مسووم!
۱۴۵	برهیز از غفلت و غرور

۱۴۸	او در بند ریاست نبود!
۱۵۵	دیگر صفات والا
۱۵۵	همت بلند
۱۵۶	جدیت و پشتکار
۱۵۹	سماحت و سعه صدر
۱۶۱	بخش پنجم: با مردم و برای مردم
۱۶۳	دلسوز مظلومان و محرومان
۱۶۴	مردم نجف، اهل و عیال مانند!
۱۶۴	کسک رسانی به مردم خصوصاً در مواقع بحران
۱۶۷	مردم به او عشق می‌ورزیدند!
۱۷۳	بخش ششم: سلوک با طلاب و روحانیون
۱۷۵	برخورد سید با روحانیون
۱۷۵	الف) با عالمان پارسا و خدوم
۱۸۸	ب) آنان که دانش و پارسایی‌شان برای سید ثابت نبود
۱۸۸	رفع نیاز طلاب، زمینه ساز رشد و شکوفایی آنان
۱۸۹	نمونه‌هایی از توثیقات و اجازات سید به علما و روحانیون
۱۹۵	اهتمام به حفظ شئون خاندان‌های خدمتگزار و کهن
۲۰۳	بخش هفتم: نفوذ وسیع اجتماعی و مرجعیت عامه
۲۰۵	آغاز مرجعیت
۲۰۶	زعامت عامه
۲۰۹	گواهی مخالفان
۲۱۱	کژبش زورمندان در برابر سید
۲۱۳	بخش هشتم: فرائد از روش «آزمون - خطا» (بحثی در اندیشه سیاسی، سیره عملی سید)
۲۱۵	اصول راهنما
۲۱۵	مردان بزرگ و «حجاب معاصرت»
۲۱۶	اصول دهگانه راهنمای عمل
۲۲۷	سیره اجتماعی - سیاسی
۲۴۰	راهبرد عملی
۲۴۱	توصیه به فرزندان: اختلاط با دولتیان ممنوع!
۲۴۴	هشیاری نسبت به دسایس استعمار
۲۵۹	مبارزه با استعمار اقتصادی و حمایت از اقتصاد ملی
۲۶۵	بخش نهم: مواضع سیاسی - اجتماعی سید پیش از مشروطیت
۲۶۷	مخالفت با وام‌ستانی‌های امین‌السلطان از روسیه
۲۷۵	سید و عین‌الدوله: از تعامل تا تقابل
۲۷۵	۱. «مشیتات» عین‌الدوله و اصلاحات اولیه وی در کشور
۲۸۴	۲. حمایت سید از اصلاحات عین‌الدوله
۲۸۶	۳. بلوای یزد، و اقدامات صاحب عروه
۳۰۱	۴. مخالفان عین‌الدوله و مواضع سید
۳۱۱	۴-۱. بخش نوشته منسوب به سید بر ضد مسیو نوز
۳۱۴	۴-۲. واکنش بیت سید در تهران

۳۲۵	۳۲۴. پاسخ سید به سؤالات و ابهامات
۳۲۹	۳۲۴. درس بزرگی که سید در آن برهه آموخت
۳۴۳	سید و جنبش عدالتخواهی
۳۵۳	بخش دهم: مواضع سید در عصر مشروطیت
۳۵۵	مراحل سه‌گانه برخورد سید با مشروطه
۳۵۵	موضع سید در قبال مشروطه
۳۵۵	مرحله ۱: مخالفت مشروطه با مشروطه
۳۸۷	مرحله ۲: جانش افروخته با جناح تندرو و سکولار مشروطه
۳۹۸	مرحله ۳: متعادل‌سازی اصول مشروطه و اردت‌ی به دلیل حرکات زبانی آن در قرن دوم
۴۰۹	نتیجه: سید با مشروطیت صحیح مخالف نبود
۴۱۲	روشن شدن حقایق و مواج نهادن
۴۱۹	سید، سنگ صبور خلقت در عصر مشروطه
۴۱۹	هرج و مرج و آشوب: زمینه تجاوز بیگانگان به کشور
۴۲۱	پاتوق بغاوت، محور آشوب در سراسر ایران
۴۲۸	نامه‌ی بی‌امضای سید و ساحت تکران دهنده
۴۳۱	نقد از رواج بی‌دینی در کشور در مشروطه دوم
۴۴۵	تندی مشروطه خواهان و گذشت و سعه صدر سید
۴۴۵	سید، آماج حملات جناح تندرو و سکولار مشروطه
۴۴۵	۱. تبلیغات سوء علیه سید
۴۴۹	۲. جعل اسناد و تحریف حقایق بر ضد سید
۴۵۷	۳. توهین و آزار پدید به سید
۴۵۸	۴. تهدید سید به ترور
۴۵۹	پایداری شگرف سید در برابر آزارها و تهدیدها
۴۶۲	سعادت و سعه صدر سید نسبت به مخالفان
۴۶۷	تفقد پدیده نسبت به مشروطه خواهان مستثنی و معتدل
۴۷۹	بخش نازدهم: چند نکته اساسی پیرامون مواضع سید در عصر مشروطه
۴۸۱	سید و آخوند خراسانی در عصر مشروطه: اتحاد در اصول، تفاوت در روش
۴۸۷	سید و شیخ فضل‌الله نوری در عصر مشروطه: اتحاد در مبنای دغدغه و درد مشترک
۴۸۷	مسئوبی سید و شیخ در ستیز مشروطه سکولار
۵۱۳	پیت سید در تهران: فعال در صدر مشروطه اندهای فرزند سید و راجع به مشروطه و شیخ فضل‌الله
۵۴۵	آیت‌الله حاجی میرزا یونس تبریزی: شاعر سید و مؤلف رساله تذکره نهضت
۵۴۵	تولد و خاندان
۵۴۷	در تکاپوی کسب دانش
۵۴۸	بزرگداشت به‌زادگه
۵۴۹	هجرت به پایتخت
۵۵۲	دانش کلان و میند و لا
۵۵۳	آثار علمی
۵۵۵	تذکره لغوی و «کلیه»
۵۵۸	پیوند صاحب‌خود و پیت‌وی در تهران
۵۶۰	حاجی میرزا یونس و مشروطیت

۵۶۰	۱. در مشروطه اول.....
۵۶۱	نقد افکار میرزا عبدالرحیم طالیوف.....
۵۶۶	گزارش اخبار تهران به صاحب عروه و آخوند خراسانی.....
۵۷۶	راز آن همه آگاهی و حساسیت چه بود؟!.....
۵۷۷	مشروطه اسلامی - ایرانی آری، مشروطه سکولار فرنگی نه!.....
۵۸۷	مسافرت به نجف برای گفتگو با آخوند و صاحب عروه.....
۵۸۹	تقویت عالمان وارسته و بدعت ستیز.....
۵۹۵	واکنش خصمانه جناح سکولار.....
۵۹۶	۲. حاجی میرزا ابوتراب در فترت پس از مشروطه اول.....
۵۹۶	نگارش رساله تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل.....
۵۹۷	بازگشت به قزوین.....
۵۹۸	مخالفت با تجدید مشروطیت (مشروطیت به شکل «بحران زای» پیشین).....
۶۰۱	۳. حاجی میرزا ابوتراب در مشروطه دوم.....
۶۰۴	حاجی میرزا ابوتراب شهیدی در مواجهه با دیکتاتوری رضاخانی.....
۶۰۶	پایان دفتر!.....
۶۱۳	اعتراض سید به تجاوز روسیه و ایتالیا به ایران و لیبی.....
۶۱۷	بخش دوازدهم: سید، و رهبری جهاد با بریتانیا در جنگ جهانی اول.....
۶۱۹	تجاوز بریتانیا به عراق، و قیام سید.....
۶۲۲	گامهای استوار و مدبرانه سید در جنگ سرنوشت با بریتانیا.....
۶۲۲	۱. تحکیم بنیان وفاق و اتحاد بین مردم عراق و حکومت عثمانی بر ضد انگلیس.....
۶۲۷	۲. صدور حکم جهاد بر ضد متفقین (بویژه انگلیس).....
۶۳۳	۳. اعزام پسر ارشد و یاران نزدیک خویش به خط مقدم جهاد با انگلیس.....
۶۳۶	پیشنهاد وسوسه انگیز انگلیسی ها، و امتناع سید.....
۶۳۹	فتوای سید، و حماسه القنبر.....
۶۶۰	گزارش یک شاهد عینی از حوادث عراق در جنگ جهانی اول.....
۶۶۴	اشغال نجف توسط انگلیسی ها، و برخورد سید.....
۶۸۷	بخش سیزدهم غروب خورشید.....
۶۸۹	وصیت سید.....
۶۹۰	فرزندانش را به خدا می سپارم!.....
۶۹۵	پرواز به سوی دوست!.....
۶۹۵	سوگواری جهان تشیع در ماتم سید.....
۶۹۸	مرگش نیز برای اسلام سودمند بود!.....
۷۰۵	بخش چهاردهم: ضمیمه شماره یک: حاج سید عبدالعزیز طباطبایی.....
۷۱۱	کتابنامه.....
۷۱۱	الف) منابع شفاهی.....
۷۱۳	ب) منابع مکتوب.....
۷۳۱	نامهای اشخاص.....

پیشگفتار

آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی معروف به «سید» و «صاحب عروه» (۱۲۵۳-۱۳۳۷ق) مرجع عام تشیع در عصر قاجار و مشروطیت است که بویژه پس از فوت آخوند خراسانی (۱۳۲۹ق) اکثریت قاطع شیعیان جهان به تقلید وی درآمدند و مطیع حکم و فتوای او گشتند.^۱ تراجم نگاران بزرگ معاصر، وی را «سید عالمان امت و شیخ طائفه، پرچمدار تشیع و قطب آسیای شریعت... و مایهٔ برکت روزگار ما» می‌شمارند.^۲ و فقهای بزرگ شیعه نوعاً آغاز مرجعیت خویش را با نشر حواشی بر «عروة الوثقی» او اعلام می‌کنند.

از محضر سید، شخصیت‌های برجسته‌ای برخاسته‌اند که همچون آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حائری و حاج آقا حسین بروجردی، جهان‌دانش و معنویت به وجودشان مفتخر است. در نفوذ وسیع اجتماعی و دینی وی، گواهی دشمنش (مهدی ملکزاده) کافی است که می‌نویسد: «مريدان و مقلدین زیاد در ایران داشت و عشایر شیعهٔ عراق عرب، از او تقلید می‌کردند و او را پیشوای مطلق خود می‌دانستند و هرگاه ضرورت ایجاب می‌کرد ممکن بود هزارها عرب مسلح تحت اختیار او گذارند و احکامش را با آهن و آتش پیش ببرند».^۳

* خموش خروشان!

در مقام «علمی» و (نیز) «معنوی» سید، جای تردید نیست و تراجم نگاران بزرگ با تعبیر گوناگون، به علؤ دانش و پارسایی وی اذعان دارند. روش و منش سیاسی وی، اما، غالباً «ناشناخته»، بلکه «بدشناخته» مانده و به ناروا بر وی گمان «دوری و ناآگاهی از سیاست» برده‌اند. و این در حالی است که، نامه‌های بسیار او پیش و پس از مشروطه به رجال دین و دولت در مسائل سیاسی و اجتماعی، و نیز اعلامیه‌ها و فتاوی پرشور وی (در جنگ جهانی اول و

۱. محمد تقی‌زاده، سید محمد، ص ۱۰، ۳۳.

۲. تعبیر محمد باقر محمدتقی در فرهنگ معاصر، ۲۹۶-۲۹۹.

۳. تاریخ احزاب مشروطیت، ص ۲۱۳.

پیش از آن) بر ضد متجاوزان روسی و انگلیسی و ایتالیایی به ایران و جهان اسلام، به وضوح نشانگر اهتمام آن بزرگمرد به حل مشکلات جامعه اسلامی (البته با حفظ ثبات و احتیاط در برخورد با اشخاص و رویدادها) است.

در صدر مشروطه، از امضای بی قید و شرط مجلس شورا - که از ماهیت و نیز عملکرد اعضای آن در آتیه بی اطلاع و نگران بود - تن زد و حمایت از مجلس را منوط به انطباق کامل مصوبات آن با موازین شرع شمرد. زمانی نیز که عناصر تندرو (گروه تقی زاده) زیر نقاب هواداری از آزادی و ستیز با استبداد، به «مبارزه با دین و روحانیت» پرداختند، به جلوگیری کوشید و در این راه سختی ها کشید. وجهه نظر انتقادی نسبت به مشروطه، همسو با آراء و نظریات حاج شیخ فضل الله بود و آنگاه که شیخ با یارانش در حضرت عبدالعظیم (ع) تحصن جست، مجدانه به حمایت برخاست و در برابر جو سازی ها و تهدیدهای گروههای فشار، مقاومتی شگرف و مثال زدنی نشان داد...

شهر پر گشت ز افسانه او

خم نشد قامت مردانه او

با این همه، چهره وی - همچون بسیاری از فقیهان هم روزگارش: حاج شیخ فضل الله نوری، آخوند ملا قربانعلی زنجان و حاجی میرزا حسن آقا مجتهد تبریزی - در هاله ای تیره از نسبتها و اتهامات سوء (و چنانکه خواهیم دید: بی بنیاد) فرو رفته و شخصیت وی تصویری گاه صد در صد وارونه یافته است. فی المثل، سید، با فتاوی و اعلامیه های متعدد خویش در طول جنگ جهانی اول، دهها هزار تن از عشایر عراق و ایران را (در کنار قوای دولت عثمانی) به عرصه جهاد با قشون بریتانیا (که جنوب ایران و عراق را اشغال کرده بود) کشانید و با این عمل، زمینه شکست فضاختبار انگلیس در کورت العماره را فراهم آورد که طلسم شکست ناپذیری امپراتوری بریتانیا را در خاورمیانه باطل ساخت. آنگاه مورخ صاحب نامی چون احمد کسروی، متأسفانه روی عناد با اسلام و روحانیت شیعه، در باره شخصیتی چنین می نویسد: «سید کاظم جز سود خود را نمی جست و جز در پی دستگاه "آیت اللهی" نمی بود؛ و توده و کشور و این چیزها در نزد او ارج نمی داشت... سید کاظم... در فریفتن مردم و شوراندن غامیان استاد می بود...»^(۱) یا دیگر مورخ سکولار تاریخ مشروطه، ستاتور مهدی ملکزاده، این گونه اهانت بار از نفوذ ایشان سخن می گوید: «... سید کاظم یزدی که در ریاکاری

بی‌نظیر بود و به قول طرفدارانش در زهد و تقوی مانند نداشت و مریدان و مقلدان زیاد در ایران داشت...^۱

مشروطیت، عرصه تقابل و چالش بنیادین میان پیشه‌ها و روشهای متفاوت - خصوصاً تضاد میان دو جناح اسلام‌خواه و «غرب‌باور» - بود و برای شناخت دقیق و عمیق آنچه که در آن برهه حساس و طوفانی از تاریخ بر کشورمان رفت، و پیامدهای آن هنوز هم گریبانگیر ما است، بایستی مبانی فکری و مواضع عملی این دو جناح و رهبران آن (از جمله: صاحب عروه) را به دور از پیرایه‌ها، و به نحوی کاملاً منصفانه و علمی، مورد بررسی و مذاقه قرار داد تا راه بر فهم درست رویدادها و رویداد آفرینان آن دوران گشوده شود و مسیر عبرت‌گیری و نکته‌آموزی از تاریخ معاصر هموار گردد.

کتاب حاضر که حاصل سالها پژوهش و تحقیق گسترده نویسنده درباره صاحب عروه است، به انگیزه دستیابی به این مقصود، یادست کم آسان ساختن راه دستیابی به آن، فراهم آمده است، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

دوست دارم ثواب این وجیزه را به روح پرفتوح زنده‌یاد حاج سید عبدالعزیز طباطبایی^۲، محقق و کتابشناس بزرگ معاصر، و حنفید صاحب عروه، اهداء کنم؛ شخصیتی که زندگی خویش را یکسره وقف خدمت به فرهنگ نورانی اهل بیت علیهم السلام ساخته بود و به گفته آیت‌الله حاج سید موسی شبیری زنجانی (مرجع بزرگ معاصر): «هم اطلاعات زیاد صحیح داشت و هم در نقل مطالب، ثقه بود». اجازات نقل روایتی که از آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، خویی و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی دارد، گواه روشنی بر وثاقت او در نقل مطالب است. درباره شخصیت، خصال اخلاقی، و آثار علمی آن مرحوم، و طرق ارتباط وی با صاحب عروه و اطلاعات وسیعش راجع به ایشان، در ضمیمه شماره یک پایان کتاب حاضر توضیح داده‌ایم. در جای جای کتاب، از اظهارات سودمند وی بهره جسته‌ایم و اساساً این پژوهش، تا حد زیادی، مرهون الطاف و افاضات او است. روانش در جنت جلد شادمان باد. در این دفتر، گذشته از منابع مکتوب که نام و مشخصات کاملشان در کتابنامه پایان کتاب آمده است، با الهیه اسناد تاریخی منتشر نشده‌ای روبرو می‌شوید که در تدوین مباحث

کتاب، از آنها بهره وافر گرفته‌ایم. گفتنی است که، بخشی درخور ملاحظه از این اسناد، در طول دهه ۱۳۶۰ شمسی به لطف مرحوم حاج سید عبدالعزیز طباطبایی، در اختیار راقم سطور قرار گرفت و بخش دیگر، به لطف و عنایت جناب آقای علی اکبر اشعری، ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، که لازم می‌دانم همین جا از ایشان و همکاران‌شان صمیمانه تشکر کنم و مزید توفیقشان را در خدمت به اسلام و ایران عزیز، از درگاه باری تعالی خواستار شوم.

در خاتمه، این قلم - همچون همیشه - چشم به راه نظریات اصلاحی و تکمیلی خوانندگان عزیز بوده و آنچه را که در این دفتر آمده، گام آخر نمی‌داند. و ما توفیقی الا بالله ما استطعت، علیه توکلت و الیه أنیب.